

انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری کودتای مخملین خامنه ای بر علیه جناحهای دیگر قدرت

آنچه گذشت: آنچنانکه پیش بینی میشد در واپسین روزهای نزدیک به 22 خرداد روز انتخابات دهمین رئیس جمهوری، گاز گرفتن اسبهای درشکه در سر بالائیهای تقسیم قدرت وارد فرایند جدیدی شد که این فرایند با انتشار نامه سرگشاده ای که در روز سه شنبه نوزدهم خرداد ماه توسط هاشمی رفسنجانی خطاب به خامنه ای نوشته شده بود، مادیت پیدا کرد. در این نامه اگر چه ظاهراً مخاطب هاشمی رفسنجانی، خامنه ای میباشد و موضوعش شکایت از احمدی نژاد و گله از افشاگریهای مصاحبه تلویزیونی او با موسوی بود ولی در واقع موضوع و مخاطب او خود خامنه ای بود و هدف آن خط کشی در راس قدرت، جهت وادار به عقب نشینی کردن خامنه ای در انتخابات رئیس جمهوری میباشد، که با تهدید نظامی و شورش داخلی و بازخوانی قصه تقسیم قدرت از آغاز انقلاب و تهدید خامنه ای به تک خوری و تمامیت خواهی و فراهم کردن زمینه ای تا قدرت رئیس جمهوری یا قدرت اجرایی کشور آنچنانکه در صحنه اجتماع در حال انتقال از احمدی نژاد (جناح خامنه ای) بطرف (مثلث هاشمی - خاتمی - موسوی) پیش میرفت، با وادار کردن خامنه ای به تسلیم در برابر نتیجه انتخابات 22 خرداد و عدم دخالت و رای سازی بود. تا با این عمل زمینه انتقال مخملی سبز رنگ قدرت را بپذیرد. البته هاشمی رفسنجانی با انتشار نامه در رسانه ها حتی قبل از اینکه نامه به خود خامنه ای برسد، آنهم در آن روزهای داغ جنگ قدرت موضوع دیگری را هم دنبال میکرد که عبارت از کشانیدن روحانیت و نهادهای بینابینی نظامی و سیاسی و حتی مردمی به درگیری این انتقال قدرت در 22 خرداد بود، تا توسط آن بتواند در این شرایط حساس تاریخی بتواند پولاریزاسیون جدیدی در روحانیت و جناحهای سیاسی قدرت بوجود آورد و خامنه ای را وادار به فاصله گیری از احمدی نژاد و جناح سنت گرای او بکند.

فونکسیون اجتماعی - سیاسی نامه هاشمی رفسنجانی:

پس از انتشار نامه هاشمی در عرصه برونی حاکمیت، واکنش نسبت به این نامه متفاوت بود اولین واکنش از جانب خود جناح سنت گرای خط راست بود (که در راس آنها خامنه ای و یزدی و مصباح یزدی و احمد جنتی و مهدوی کنی قرار دارند و بازوهای سیاسی - نظامی آنها هم حسین شریعتمداری و نقدی و سعید مرتضوی و فدائی و هستند و احمدی نژاد و دولت او نیز نماینده سیاسی این جناح در برابر سه جناح دیگر خط راست قرار گرفتند که عبارتند از:

1. جناح اصلاح گرای خط راست که همان آبادگران میباشد و از قالیباف تا حداد عادل و لاریجانی و محسن رضائی و ... جزو این جناح میباشد.
2. جناح بازاریهای خط راست که در راس آنها هیئت مولفه قرار دارد و از جاسبی و عسکر اولادی و حبیبی و آل اسحاق گرفته تا حسن غفوری و ... جزو این جناح میباشد.
3. جناح مدرنیسم یا بورکرات خط راست که از باهنر و خوش چهره و سبحانی گرفته تا ولایتی و علی مطهری و تشکیل میشوند. قرار گرفتند

سناریوی از پیش تعیین شده افشاگری احمدی نژاد در مصاحبه تلویزیونی: بزرگترین اشتباه خامنه ای و جناح اقتدارطلب او این بود (که پس از اینکه مثلث تقسیم قدرت زیر نظر خاتمی - هاشمی - موسوی تشکیل گردید چون وجود موسوی در این مثلث با توجه به سابقه دهه 60 که خامنه ای از موسوی داشت بمعنای نفی خود تلقی میکرد و اصلاً خط هاشمی - خاتمی هم در انتخاب و حمایت از موسوی در همین راستا شکل گرفته بود) به متلاشی کردن مثلث هاشمی - موسوی - خاتمی گرفت و در این تصمیم مبتنی بر تاکتیک فشار از پائین و چانه زنی از بالا. لذا جهت فشار از پایین بر مثلث فوق تصمیم گرفت تا سناریوی افشاگری بر علیه افراد مثلث فوق و ناطق نوری که حمایت خاموش از این مثلث میکرد، در دستور کار خود قرار دهند که این موضوع توسط افشاگری دیکته شده احمدی نژاد در مصاحبه های تلویزیونی بخصوص در مصاحبه بین موسوی و احمدی نژاد که پر بیننده ترین برنامه تلویزیون بود از پایین بر مثلث فوق فشار وارد کنند، تا از بالا به چانه زنی جهت عقب نشینی آنها از قدرت و ادامه قدرت توسط احمدی نژاد و جناح وابسته به انجام برسد، اما این تاکتیک خامنه ای نتیجه عکس داد، چرا که نامه سرگشاده هاشمی در 19 خرداد و تحمیل کودتای مخملی بر خامنه ای در 22 خرداد، میوه این تاکتیک غلط خامنه ای بود که پس از افشاگری فوق، هاشمی با نگارش افشاگری نامه فوق توانست سلاح را از دست رقیب باز ستاند و آنرا در کف خود قرار دهد که در این رابطه آنچه حتی از خود انتخابات هم مهمتر بود انتشار نامه هاشمی بود که در این نامه هاشمی سه هدف دنبال میکرد:

1. برای اولین بار در طول 30 ساله بعد از انقلاب فقهاتی 22 بهمن 57 تقسیم قدرت بین حاکمیت بوی آنتاگونیسم و قهرآمیز بخود گرفت که تاکنون سابقه نداشته است، چرا که قبلاً اوج تقسیم قدرت زمان شریعتمداری و منتظری بود که بصورت سرکوب یکطرفه حاکمیت خمینی مساله فیصله پیدا کرد و عدم

- توازن قوا بین روحانیون فوق با خود خمینی، امکان سرکوب سریع خمینی را فراهم میساخت اما در این نامه هاشمی، خامنه ای را تهدید به توازن قوا و قیام و آنتاگونیسم میکند.
2. وارد کردن فشار بر خامنه ای جهت مرزبندی با جناح سنت گرا و اقتدار طلب بود که خامنه ای تمامی قدرت تشکیلاتی - مالی - سیاسی خود را جهت حمایت از آنها قرار داده بود.
 3. فراهم کردن زمینه پولاریزاسیون جدید در حاکمیت.

پولاریزاسیون چهارگانه حاکمیت در سی ساله گذشته:

- از زمان پیروزی انقلاب فقهاتی 22 بهمن سال 57 تاکنون یعنی مدت 30 سال گذشته، حاکمیت فقهاتی سه پولاریزاسیون اساسی را پشت سر گذاشته است که عبارتند از:
1. پولاریزاسیون اوایل انقلاب که خمینی جهت مقابله با تشکیلات مجاهدین خلق و جریانات.
 2. در مقابل چپ و لیبرالها سعی میکرد با ایجاد قطبهای پارالل یا موازی مثل حزب جمهوری اسلامی یا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی یا دفتر تحکیم وحدت یا روحانیت مبارز یا جمعه مدرسین حوزه علمیه قم و ... به سازماندهی این جریانها بپردازد اما پس از پایان یافتن تسویه حساب خمینی با جریانات سیاسی فوق در نیمه دهه 60 خمینی تصمیم به یک پولاریزاسیون جدید گرفت.
 3. به این ترتیب که تمامی تشکلهای فوق، از حزب جمهوری اسلامی گرفته تا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را بصورت دستوری منحل کرد و با شقه کردن سازمان روحانیت مبارز و جداسازی روحانیون از روحانیت و مجمع مدرسین از جامعه مدرسین و ... پولاریزاسیون جدیدی بر حاکمیت تحمیل کرد که بزرگترین حادثه غیر قابل پیش بینی برای خمینی در آن پولاریزاسیون جدید خروج منتظری از حاکمیت بود که پشت خمینی را شکست.
 4. چهارمین پولاریزاسیون رژیم بعد از مرگ خمینی و حاکمیت یافتن خط راست تحت رهبری خامنه ای صورت گرفت. چرا که خمینی تا لحظه مرگ اگر چه سعی میکرد جریان راست را در صحنه در پشتیبانی خود نگه دارد ولی هرگز حاضر به حمایت استراتژیک از خط راست نشد و پیوسته تکیه گاه خود را بر نیروهای پیرو خط امام که بعدا خط تشکیل دادند قرار میداد. ولی با رفتن خمینی و جانشینی خامنه ای، رسماً خط راست توانست بر کسی ولایت بنشیند و تمامی قدرت را بلوکه کند و به تسویه حساب با خط سه و خطوط دیگر بپردازد.

خطوط چهارگانه حاکمیت پس از مرگ خمینی:

- در پولاریزاسیون سوم که بعد از مرگ خمینی انجام گرفت حاکمیت به چهار خط تبدیل گردید که عبارتند از:
1. خط یک تحت رهبری خامنه ای و جناح بازار که معتقد به متمرکز کردن قدرت اقتصادی در دست بازار بصورت سرمایه داری آزاد بودند.
 2. خط دو که تحت رهبری هاشمی رفسنجانی بودند معتقد به تکنوکراسی و بوروکراسی و طبقه متوسط در اداره مملکت بودند.
 3. خط سه توسط کربوبی و موسوی خوئینی ها و اردبیلی، با هدایتگری خمینی و سه میلیون تومان اولی که خمینی به کربوبی داد. تشکیل شد و این خط ابتدا در برابر شعار بازار خط یک شعار عدالت دولتی و تمرکز میداد ولی بعدا بخاطر ساقط شدن این شعار، شعار خود را عوض کرد و شعار توسعه سیاسی و بالاخره اصلاحات سر داد.
 4. خط چهار که برهبری منتظری و مدیریت برادران هاشمی و مهدی هاشمی داماد منتظری تشکیل گردید علاوه باینکه معتقد به تکیه بر طبقه خرده بورژوازی شهر و روستا بود در زمینه اجتماعی از همان اوان تکوین معتقد به مشارکت سیاسی و نگرش جبهه ای بود.

واکنش خامنه ای و جناح سنتگرای پیرو او به نامه هاشمی:

خامنه ای و جناح سنتگرای پیرو او پس از انتشار نامه هاشمی، چون محتوی این نامه را در آن زمان تماماً بر علیه خامنه ای و احمدی نژاد میدیدند لذا در این رابطه هر گونه برخورد مستقیم با نامه را طرح تبلیغات بر علیه انتخاب احمدی نژاد قلمداد کردند و بجز چند برخورد فردی مثل برخورد یزدی و فدائی و حسین شریعتمدار سعی بر حمله خاموش به هاشمی در کادر دفاع از احمدی نژاد کردند و در همین راستا بود که خامنه ای که چاقوی افشاگری خود بر علیه هاشمی و ناطق نوری و خاتمی و موسوی را از کار افتاده میدید، کوشید در این مرحله با توجه به اینکه بازار انتخابات گرم شده بود و بخشی از ارتش 20 میلیونی معترض خاموش، در جامعه 70 میلیونی ایران جنگ حیدر نعمتی

بالا نیاها را به نفع خود تمام کند و با ورود بعرضه انتخابات وزنه را که به نفع رقیب خود یعنی مثلث فوق بود، تغییر دهد. زیرا وضعیت انتخابات را در صورت دو مرحله ای شدن آن کاملاً بضرر خود و بسود جناح مثلث مقابل میدید.

چرا خامنه ای تصمیم به کودتای مخملی 22 خرداد گرفت:

آنچه بدو باید در رابطه با کودتای مخملی 22 خرداد خامنه ای گفت، اینکه این کودتا بر خامنه ای تحمیل شد. چرا که از بعد از دو خطای قبلی خامنه ای (خطای افشاگری بر علیه مثلث مقابل توسط احمدی نژاد و خطای همگانی کردن انتقال تضادهای حاکمیت به توده ها توسط رسانه رادیو و تلویزیون رژیم که حاصل آن فریب خوردن و ورود بخش بزرگی از جمعیت بیست میلیون معترض خاموش به صحنه انتخابات و در نتیجه گرم شدن تئور انتخابات و تغییر کفه انتخابات به سود رقیب گردید لذا هیچ سرانجامی برای خامنه ای نگذاشته بود جز تن دادن به پیروزی رقیب خود موسوی که عملاً امری غیر ممکن بود. چرا که عملاً هر گونه همکاری و ولایت بی قید و شرط او را مسدود میساخت و یا دو مرحله ای شدن انتخابات که آن هم نتیجه ای بهتر از این برای خامنه ای نداشت. لذا در همین رابطه بود که خامنه ای خود را آچمز شده میدان انتخابات میدید و هیچ راهی جز کودتا در عرصه رای سازی جهت حاکمیت احمدی نژاد برایش باقی نمانده بود. البته طرح این موضع بمعنای آن نیست که قبلاً رژیم در انتخابات فرمایشی خود رای سازی نمیکرده است. بلکه بلعکس آنچنانکه موحدی ساوجی نماینده ساوه در مجلس قبل از فوتش به جناح مقابل میگفت، در زمان شما تریلی تریلی رای سازی میکردید ما فولکس واگن، فولکس واگن رای سازی میکنیم لذا در همین رابطه است که باید گفت در دوران قبل هم رای سازی میشد اما رای سازی نسبت به کل آرا جنبه محاط داشت اما این بار رای سازی جنبه محیط پیدا کرد که فرار از آن برای خامنه ای امری غیر ممکن بود و در همین رابطه بود که ناخواسته تن به یک اشتباه بزرگ دیگر داد و با قبول نظریه رای سازی هم حریف مقتدر خود یعنی موسوی را از صحنه بدر ساخت و آن دو دیگر را از ریشه بی هویت ساخت تا دیگر اندیشه قدرت در سرشان نیفتد و هم در همین رابطه توانست احمدی نژاد را با 24 میلیون رای دو میلیون رای بیشتر از خاتمی به کرسی قدرت بنشانند تا بقول گوبلز وزیر تبلیغات هیتلر دروغی آنچنان بزرگ بگوید تا برای توده ها باور کردن راحتتر باشد.

پولاریزاسیون جدید حاکمیت پس از انتخابات 22 خرداد:

آنچنانکه پیش بینی میشد طبق نقشه ای که مثلث خاتمی - هاشمی - موسوی طراحی کرده بودند، وارد کردن موسوی به عرصه انتخابات:

1. بخاطر موضع صریح سنتی ضد خامنه ای که داشت.
 2. داشتن جای پای د بین نیروهای معتقد به خمینی درون نظام و جناح راست.
 3. داشتن چهره بین نیروهای جوان و دانشجویی نظام.
- و پس از عقب نشینی خاتمی از کاندیداتوری و مقابله عریان با کاندیداتوری کروی و تلاش همه جانبه جهت حمایت مادی و معنوی و تشکیلاتی از موسوی از دانشگاه آزاد گرفته تا حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی و کارگزاران همه و همه نظام را در برابر یک تند پیچ جدید تقسیم قدرت قرار داده بود که فونکسیون عمیق تر از انتخابات سال 76 خاتمی داشت. اولین و مهمترین فونکسیون آن ایجاد پولاریزاسیون جدید حاکمیت بود بطوریکه در عرض یک هفته پولاریزاسیون از روحانیون مبارز به روحانیت مبارز و از کارگزاران به حوزه قم و حتی به مرجعیت آن کشیده شد و اگر بگوئیم که پولاریزاسیون اینبار رژیم، از پولاریزاسیون سالهای 65 تا 68 یعنی زمان خود خمینی عمیقتر میباشد سخنی به گزاف نگفته ایم چرا که در این پولاریزاسیون قدرت نه تنها آن مثلث قدرت در برابر خامنه ای قرار گرفت بلکه پیش از آن میبینم که پشت سر موسوی از جاسبی موله تا عطریانفر کارگزاران و از سعید حجاریان مشارکت تا سعید عسگر ضارب سعید حجاریان از لباس شخصی ها، از حمید انصاری بیت خمینی تا طاهری اصفهانی از طرف منتظری و از روزنامه جمهوری اسلامی جناح راست و صف بسته اند و هر چه این کمپین ضد خامنه ای قوی تر بشود پولاریزاسیون جدید بعد از انتخابات 22 خرداد بیشتر نمود پیدا میکند و خطر غیر قابل پیشگیری برای خامنه ای ایجاد میکند چرا که پیشرفت این پولاریزاسیون و رشد این کمپین ممکن است بدون قدرت نظامی و سیاسی حاکمیت گسترش پیدا کند طبیعی است که دیگر در آنجا مهار قدرت برای خامنه ای غیر ممکن میشود و راهی جز سقوط برای رژیم باقی نماند.

22 خرداد رفراندم یا انتخابات:

بهر حال روز 22 خرداد خیل عظیمی از جمعیت کشور ما که شاید بتوان گفت بیش از 50 درصد مردم دارای حق رای بودند در این میتینگ بزرگ شرکت کردند بامید اینکه با انتخاب موسوی بتوانند به خواسته های تاریخی آنها آنچنانکه وعده میدهد تحقق عینی بخشد. ولی هنوز چند ساعتی از جمع کردن صندوقها نگذاشته بود که در ساعت 12 شب آمار ده میلیون رای را که هشت میلیون آن متعلق به احمدی نژاد و یک میلیون متعلق به موسوی بود قرائت شد.

قرائت این آمار یک مرتبه چرت توده فریب خورده از خیمه شب بازی رژیم پاره شد و در همین راستا بود که در کمتر از 12 ساعت بالاخره رای احمدی نژاد با ایجاد حکومت نظامی در تهران و شهرستان های بزرگ اعلام کردند و با 24 میلیون رای او را دو باره بر کرسی قدرت نشانند. باز در همین رابطه بود که توده های از قافله باز مانده که احساس توهین بخود می کردند ، تصمیم به مقابله با رژیم گرفتند ولی غافل از آنکه کاندیداهای آنها با اعلامیه های خود امر به خویشتن داری و تسلیم دادند و اینجا بود که توده ها یکبار دیگر خود را دست خالی یافتند.

والسلام